

گفت و گو با دکتر اسحاقی معاون فرهنگی دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی

۳ چالش جمعیتی کشور

سال ۸۶ وقتی زنگ خطر برای کاهش نرخ باروری، رشد جمعیت و در نتیجه آن احتمال بروز پدیده سالمندی در کشور به صدا درآمد شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان شورای متشکل از مسئولان و نخبگان جامعه دست به کار شد تا ضمن آسیب شناسی سیاست های جمعیتی گذشته، به فکر آینده جمعیتی کشور بيفتد که نتیجه آن بر جسته سازی بحث جمعیت در نقشه مهندسی فرهنگی در سال ۹۰ بود. در طول این سال ها اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی و اعضای دبیرخانه این شورا از پژوهش در این باره دست نکشیدند و دستاوردهایشان در قالب مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی به منظور بازنگری در سیاست های جمعیتی و در نظر گرفتن مشوق ها نمایان شد. حال طرح جمعیت و تعالی خانواده مجلس بر گرفته شده از مصوبات این شورا مراحل پایانی تصویب خود را در مجلس طی می کند تا با تصویب و اجرای آن تمامی ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و امنیتی در مقوله افزایش جمعیت دیده شود. قانونی که شاید اجرای آن بتواند کشور را در مسیر بهبود وضعیت نرخ رشد جمعیت قرار دهد. با دکتر محمد اسحاقی معاون فرهنگی دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی و دبیر شورای مهندسی فرهنگی به عنوان یکی از پیشگامان این عرصه به گفت و گو نشستیم تا هم از واقعیت های موجود آگاه شویم و هم از برنامه های آینده کشور برای مقابله با این خطر بزرگ.



علیرضا کافی



*** همواره از سوی مسئولان در باره کاهش نرخ باروری و در نتیجه آن بروز پدیده سالمندی در کشور شنیده ایم. چه چیز تا این حد باعث بروز نگرانی در کشور شده است و پیر شدن جمعیت یک کشور چه مشکلاتی می تواند برای آن جامعه به همراه داشته باشد؟**

جمعیت عامل تشکیل دهنده یک کشور است و در تمامی دوره ها بحث جمعیت یکی از مهم ترین مباحث مطرح بین ملت ها بوده است. در طول تاریخ، ملت ها، اقوام و گروه های سیاسی با بودنشان نقش آفرینی کرده اند و همین جمعیت باعث پیشرفت ملل و ماندگاری شان شده است. اگر انسان ها و ملت ها روی اصل و ریشه خود حساسیت نداشته باشند این امکان وجود دارد که به مرور زمان و با توجه به تغییراتی که ممکن است در یک گروه جمعیتی رخ دهد آن گروه به کلی حذف شود. درست مانند اقوام و تمدن هایی که در طول تاریخ از بین رفتند و حال جز آثاری از آنها چیزی باقی نمانده است. لذا انسان ها بر اساس فطرت خود روی زایش و تزايد نسل حساب می کنند و در این مورد نگاه به حال برایشان بی معناست. مشکلات اجتماعی بسیاری نیز یک جامعه سالمند را درگیر خود می کند. وقتی در یک جامعه سرمایه های اجتماعی کاهش یابد از میزان هم افزایی بین مردم کاسته می شود. در تشریح این موضوع بهتر است این گونه آغاز کنیم که در یک جامعه سالمند در خانواده هایی که فرزند کمتری دارند وظیفه نگهداری از پدر و مادر به دلیل کم بودن فرزندان و اجتماع کوچک خانوادگی به نهادهای اجتماعی مانند بهزیستی و سرای سالمندان محول می شود یعنی همان مسیری که غرب سال ها قبل طی کرد و البته از آن ضربه نیز خورد. نهادهای اجتماعی جایگزین کارکردهای خانوادگی شدند. به جای اینکه خانواده ها و اقوام به یکدیگر کمک کنند نهادهای اجتماعی به کمک مردم آمدند.

متأسفانه بسیاری از خانواده های ما از واقعیت های موجود اطلاع ندارند. بسیاری از افراد حتی نخبگان و مسئولان ما متوجه خطر کاهش نرخ باروری به کمتر از نرخ جایگزینی نیستند. این افراد اگر بدانند نرخ باروری ما در حال حاضر ۱/۷ است در صورتی که نرخ جایگزینی ۲/۱ تعریف شده است بی شک در مقابل موضوع فرزندآوری مقاومت نمی کنند. این یک حقیقت است که وقتی نرخ باروری یک جامعه به کمتر از نرخ جایگزینی برسد به مرور از میزان جمعیت آن کشور کاسته می شود و در دراز مدت بقای آن ملت به خطر می افتد. اگر مردم، مسئولان و نخبگان به خوبی از این خطر مطلع شوند اجازه نخواهند داد که نرخ باروری از حد جایگزینی پایین تر بیاید. علت آن هم این است که همین کاهش تدریجی جمعیت و نرخ رشد جمعیت باعث بروز بحران های جمعیتی در یک کشور می شود و کار به جایی می رسد که نرخ رشد منفی می شود و پس از آن است که

جامعه رو به سالمندی می رود و جامعه سالمند با مشکلات عدیده اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مواجه می شود. اگر از بعد اقتصادی به این موضوع نگاه شود جامعه دچار بحران های اقتصادی ناشی از کاهش نیروی کار و در نتیجه کاهش رشد اقتصادی و در عین حال کشور دچار مشکلات سیاسی و امنیتی می شود.

*** تمایل انسان ها به ادامه نسل امری بدیهی است اما چه چیزی باعث شده است در دنیای امروز خانواده ها از بعد فردی تمایل چندانی به فرزندآوری و پر جمعیت بودن نداشته باشند؟**

نباید فراموش کرد که مباحث جمعیتی به دو بعد فردی و اجتماعی تقسیم می شود. در بعد فردی هر شخصی بر اساس نیاز فطری و طبیعی خود که خداوند در نهاد او قرار داده است تمایل به فرزندآوری دارد. علت آن هم تمایل انسان به بقاست. انسان تاجایی که برایش امکان دارد تمایل به ادامه بقاست و پس از آن دوست دارد که فرزندانش ادامه دهنده نسل او باشند.

افراد در گام اول به شرایط خودشان نگاه می کنند و در گام بعدی است که مسائل اجتماعی را برای فرزندآوری لحاظ می کنند. لذا برای متقاعد کردن مردم برای فرزندآوری باید ابتدا آحاد مردم به فرزندآوری متقاعد شوند، آن هم به نحوی که به این باور برسند که داشتن یک خانواده سالم نیاز آنهاست و نبود این خانواده در آینده می تواند از بعد اجتماعی و فردی آنها را دچار مشکل کند. جوانی که به تازگی از دواج کرده است باید به این باور برسد که اگر در زمان مناسب اقدام به فرزندآوری نکند و به این نیاز ذاتی و فطری خود پاسخ ندهد در آینده دچار مشکل می شود و تبعات فردی این امر دامن گیر او می شود.

*** به بعد فردی موضوع اشاره کردید، خانواده های کم فرزند با مشکلاتی از لحاظ ارتباطات فردی مواجه خواهند بود؟**

در شرایط فعلی، کشور با ۳ چالش در زمینه جمعیت مواجه است. چالش اول تاخیر در ازدواج، دوم تاخیر در فرزندآوری و سوم تقلیل در فرزندآوری و بسنده کردن زوجین به یک یا دو فرزند است. اگر نگاه فردی به این موضوع داشته باشیم در خانواده های کم فرزند، پدر، مادر و فرزند آینده پر مشکلی را پیش رو خواهند داشت. یکی از این مشکلات کم شدن تعداد عمو، دایی، خاله و عمه و در نتیجه آن کم شدن بستگان است که در نهایت باعث کم شدن ارتباطات صمیمانه خانوادگی می شود. از همین منظر بسیاری از روانشناسان معتقدند که تک فرزندی و کم فرزندی عوارض بسیاری برای خانواده ها به خصوص فرزندان این خانواده ها به همراه دارد.

*** چه عواملی سبب شده است تا خانواده ها تک فرزندی یادر نهایت دو فرزندی را برگزینند؟**

مجموعه ای از عوامل باعث شده است تا خانواده ها کم فرزندی را

به جای چند فرزندی برگزینند. شهرنشینی و مدرنیته که توسعه و رفاه را برای مردم به همراه داشته یکی از این عوامل است. اشتغال و صرف زمان طولانی در خارج از محیط خانه و تمرکز جمعیت در شهرهای بزرگ باعث شده تا محدودیت های ایجاد شده برای افراد آنها را از داشتن خانواده های پر جمعیت منصرف کند. حقیقت هم همین است. چگونه یک خانواده با سه فرزند می تواند در یک آپارتمان کوچک ۴۰ متری زندگی کند.

*** بسیار خوب، برای پاسخ به پرسش ها و مشکلات اقتصادی مردم درباره فرزندآوری چه حرفی دارید؟ مردم در شرایط اقتصادی فعلی و زندگی در آپارتمان های کوچکی که به آن اشاره کردید چگونه می توانند برای داشتن یک خانواده پر جمعیت با هزینه های بسیار اقدام کنند؟**

بخشی از عوامل بازدارنده عوامل فرهنگی اجتماعی است و بخشی هم اقتصادی. تنها راه خروج از این بحران هم ایجاد یک تحول فرهنگی در کنار رفع موانع اقتصادی است. به زندگی در آپارتمان های کوچک اشاره کردید در این باره باید بگویم، شاخص های تراکم زیستی مادر مقایسه با دیگر کشور ها از وضعیت مطلوب تری برخوردار است. در هر کیلومتر مربع از خاک ایران حدود ۴۵ نفر زندگی می کنند در حالی که در هر کیلومتر مربع از خاک ژاپن بیش از ۴۰۰ نفر در قالب سازه های بلند و آپارتمان های کوچک زندگی می کنند. با این حال از آنجا که ژاپن کشور پیری است و از لحاظ شاخص های جمعیتی در آینده به وضعیتی بحرانی دچار خواهد شد، دولت مردان ژاپنی سال ها است به فکر در نظر گرفتن مشوق های افزایش جمعیت در کشورشان افتاده اند. پس کشور ما ظرفیت داشتن جمعیت بیشتر را دارد، البته به شرط تمرکززدایی از شهرهای بزرگ.

از بعد اقتصادی هم رابطه مستقیمی بین جمعیت و اقتصاد وجود دارد. جمعیت زیاد عامل رشد اقتصادی است. در جامعه ای که جمعیت زیادی دارد میانگین نرخ مصرف کالاها هم بالا می رود و همین موضوع باعث بالا رفتن میزان تولید در آن جامعه می شود.

*** به گفته بسیاری از کارشناسان مادر حال حاضر در شرایط خوب جمعیتی قرار داریم و بخش عمده ای از جمعیت مادر سن کار و تولید قرار دارند. پس چرا نتوانسته ایم از این فرصت استثنایی در راستای رشد اقتصادمان استفاده کنیم؟**

درست است، مادر حال حاضر در بهترین شرایط جمعیتی قرار داریم. بخش عمده ای از جمعیت ما جوان و آماده برای کار کردن است. در صورتی که اکنون کشور های اروپایی که طی سال های گذشته سیاست های کاهش جمعیت را اجرا کردند تغییر رویه داده اند و به فکر افزایش جمعیت و حتی جذب مهاجر افتاده اند. مشکل ما افزایش جمعیت نیست، مشکل ما فقدان توسعه در